دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث
دوره ۸، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۸۸-۳۱۵
DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5
مقاله پژوهشی

بررسی گونه‌های تأثیرپذیری طاهره صفارزاده در ترجمه قرآن کریم از زبان واسطه (سطح واژگان و نحو)

اویس محمدی[1*]، عبدالباسط عرب یوسف‌آبادی[2]، محمدمهدی طاهری[3]

۱- استادیار گروه الهیات ، دانشگاه گنبد کاووس، ایران
۲- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی ، دانشگاه زابل، ایران
۳- دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۰/۸/۱۸ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

چکیده

متن قرآن کریم در عین اینکه روشن و فهم‌شدنی است، معناهای ظریف بسیاری دارد و با نحوی بلیغ و ایجازی بی‌نظیر نگاشته شده است. طبق این توصیف، در ترجمه قرآن لازم است، هم سادگی متن، برگردان شود و هم ظرایف معنایی و بلاغی و نحوی آن مورد توجه قرار گیرد. ترجمه طاهره صفارزاده از قرآن کریم، با زبانی روشن و همه‌فهم نوشته شده‌است؛ اما در جاهایی، دلالت‌های معنایی واژگان و نحوِ متن، با دقت و ایجاز برگردان نشده است. نگارندگان مقاله حاضر با بررسی ترجمه فارسی قرآن کریم از طاهره صفارزاده و مقایسه آن با واژگان و ساختارهای نحوی متن عربی دریافتند که بخش‌هایی از این ترجمه، از متن عربی فاصله دارد و متأثر از ترجمه انگلیسی قرآن است. برای تحقق این هدف، متن چهار جزء آخر ترجمه طاهره صفارزاده، با قرآن کریم و ترجمه انگلیسی قرآن از عبدالله یوسف علی مطابقت داده و گونه‌های تأثیرپذیری صفارزاده از ترجمه انگلیسی استخراج و تحلیل شد. با بررسی‌های دقیق، این نتیجه به دست آمد که در ترجمه صفارزاده تغییراتی نظیر نادستوری‌بودن، افزوده‌های زبانی، تغییر دلالت، برابرنهادهای نامناسب و برابرنهادهای توصیفی صورت گرفته که تحت‌تأثیر ترجمه انگلیسی بوده است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، طاهره صفارزاده، ترجمه باواسطه، نادستوری‌بودن، افزوده‌های زبانی، برابرنهاد

*نویسنده مسئول مقاله: Email: oveis.mohammadi@gonbad.ac.ir

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

۱- مقدمه

ترجمه قرآن کریم از دیرباز در میان مسلمانان و غیرمسلمانان رونق داشته و پیروان ادیان و مذاهب مختلف از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای آشنایی و یا انتشار اسلام استفاده می‌نمودند. به همین دلیل است که ترجمه قرآن به رغم موانع موجود بر سر راه آن، جایگاهی ویژه یافته است. در گذشته بیشتر بحث بر سر آن بود که مبادا ترجمه قرآن سبب کاسته‌شدن قداست آن گردد؛ اما امروزه به این نکته تأکید می‌شود که تا چه اندازه می‌توان کلام الهی را به طور صحیح به زبانی دیگر ترجمه نمود و در عین رعایت امانت، عملاً به برگردانی دقیق از آن دست یافت. از دیگرسو قرآن کریم را نمی‌توان جدای از قوانین و ضوابط حاکم بر دستور زبان عربی ترجمه و بررسی نمود؛ زیرا زبان عربی دارای چنان ایجاز و بلاغتی است که آن را از دیگر زبان‌ها متمایز می‌نماید. مترجم قرآن ضمن ترجمه آیات باید درک درستی نسبت به دستور زبان عربی، بلاغت، شأن نزول آیات و شرایط محیطی، اجتماعی و فرهنگی جامعه عرب داشته باشد، تا به هنگام ترجمه آیات قرآن از مناسب‌ترین و روان‌ترین برابرنهادهای زبان مقصد استفاده نماید. عدم رعایت این مهم در برخی از ترجمه‌ها سبب می‌شود که از آن ترجمه به ترجمه‌ای نارسا تعبیر شود.. این مسئله به عوامل مختلفی بستگی دارد که تأثیرپذیری آشکار و یا نهان از زبان واسطه را می‌توان یکی از این عوامل برشمرد.

۱-۱- بیان مسأله

در یک تقسیم‌بندی کلی، ترجمه به دو نوع آشکار و نهان تقسیم می‌شود. در ترجمه آشکار، زبان ترجمه تصنّعی است؛ لذا توجه چندانی به ساختارهای طبیعی زبان مقصد نمی‌شود و واژگان و دستور زبان متن مبدأ بیشتر مورد توجه است. اما در ترجمه نهان، زبان ترجمه، طبیعی و روان است؛ زیرا در آن برای رساندن مقصود متن مبدأ، از واژگان و دستور زبان معمول در زبان مقصد استفاده می‌شود. ترجمه باواسطه (intermediary translate) که از

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

انواع ترجمه نهان است، ازجمله مباحث رایجی است که از دیرباز (بـه عنـوان مثـال: ترجمـه آثار یونانی به زبان عربی) مورد استفاده مترجمان قرار می‌گرفت.

برخی از پژوهشگران، ترجمه باواسطه را چنان عادی می‌پندارند کـه در عمـل میـان ایـن نوع ترجمه و ترجمه بی‌واسطه تمایزی قائل نیستند (Radó, 1975: 51)؛ حـال آن‌کـه برخـی دیگر موضعی بدبینانه نسبت به این نوع ترجمه دارند و آن را بـی‌فایـده و پراشـتباه توصـیف می‌کنند (Berman, 1990: 4). گروه دوم معتقدند ترجمه باواسطه بیشـتر در جـوامعی انجـام می‌شود که زبان آن‌ها گویشور کمتری دارد و بـه لحـاظ سیاسـی و اقتصـادی دارای اهمیـت کمتری است (Pieta, 2014: 13).

طاهره صفارزاده (۱۳۱۵–۱۳۸۷) شاعر، نویسنده، مترجم و قرآن‌پژوه معاصر، اخیـرا قـرآن کریم را به دو زبان فارسی و انگلیسی ترجمه نمود. به زعم بسیاری از پژوهشـگران، ترجمـه فارسی وی ترجمه‌ای ارتباطی و گاها آزاد است؛ زیرا وی در پـی فهـم پیـام الهـی در آیـات قرآن و انتقال آن به مخاطب است و به الفـاظ و واژگـان مـتن، بـه عنـوان وسـیله‌ای جهـت رساندن محتوا می‌نگرد (تـک‌تبـار، ۱۳۹٤: ۲۷). باتوجـه بـه ایـن‌کـه ایـن ترجمـه، وفـادار بـه ارزش‌های ارجاعی متن است و پایبند به ساختارهای دستوری زبان مقصـد اسـت؛ لـذا ایـن فرضیه را تداعی می‌کند که ممکن است تحت‌تأثیر زبان واسطه انجام شده باشد.

۱-۲- هدف پژوهش

هدف پژوهش حاضر آن است که به جای رد یا نفی مطلق ترجمه باواسـطه، تغییـرات میـان این ترجمه (غیرمستقیم) با ترجمه بدون واسطه (مسـتقیم) از منظـر مؤلفـه‌هـای دسـتوری و بلاغی آشکار شود و شاخص‌های عینی برای توصـیف نمایـه مـتن مبـدأ و مـتن ترجمـه و مقایسه هم‌زمان آن‌ها برای ارزیابی کیفیت ترجمه ارائه گردد. برای این منظور ترجمه فارسـی قرآن کریم از طاهره صفارزاده انتخاب گردید و جنبه‌های تأثیرپـذیری آن از ترجمـه واسـطه انگلیسی استخراج شد.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

۱-۳- پرسش‌های پژوهش

برای دستیابی به اهداف پژوهش تلاش می‌شود به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

– طاهره صفارزاده در ترجمه فارسی قرآن کریم تا چه اندازه در انتخاب راهکارهای ترجمه، به ساختارهای زبان عربی پایبند بوده‌است؟

– مهم‌ترین تغییراتی که در ترجمه صفارزاده به خاطر واسطه قراردادن ترجمه انگلیسی قرآن مشهود است، کدام است؟

۱-۴- روش پژوهش

داده‌های به‌کاررفته در این پژوهش برگرفته از ترجمه فارسی قرآن کریم از طاهره صفارزاده است که با برخی از ترجمه‌های انگلیسی قرآن مقایسه شده‌است. این ترجمه در سال ۱۳۸۰ش توسط مؤسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر و پس از آن در سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات اسوه منتشر شد. در این پژوهش برای ارزیابی کیفیت ترجمه صفارزاده، چهار جزء آخر قرآن کریم– با تأکید بر سوره‌های ق، واقعه، حدید، ملک و نازعات– بررسی شد. روش پژوهش به این شکل است که تمام واژگان و جمله‌های مندرج در این ترجمه بررسی شد و با اصل متن (زبان عربی) مقایسه گردید و تغییرات موجود در این ترجمه که در راستای موضوع، اهداف و پرسش‌های پژوهش قرار می‌گیرد، گردآوری شد. این تغییرات شامل نادستوری‌بودن، افزوده‌های زبانی، تغییر دلالت، برابرنهادهای نامناسب و برابرنهادهای توصیفی است. برای بررسی داده‌ها و دستیابی به نتیجه مناسب از روش تحلیل محتوا استفاده شد. بنابراین تمام واژگان و آیات تحلیل و بررسی شد و بر اساس انواع تغییرات فوق‌الذکر و نیز راهکارهای مناسب ترجمه، داده‌ها در جدول‌های مخصوص دسته‌بندی شد تا بستری مناسب برای بررسی موضوع و محتوای آن‌ها فراهم شود. در پایان نیز نتایج در راستای پرسش‌های پژوهش ارائه گردید.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

۱-۵- پیشینه پژوهش

تاکنون چند پژوهش در ارتباط با ترجمه باواسطه انجام شده است که به برخی از آن‌ها که با پژوهش حاضر قرابت دارند، اشاره می‌شود:

شکوهمند و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی میزان اتکا به عامل فرامتنی جهت ترجمه: موردپژوهی ترجمه‌های رمان صد سال تنهایی نوشته گابریل گارسیا مارکز» به بررسی نقش عوامل فرامتنی در ترجمه و چگونگی درج آن روی جلد آثار ترجمه شده پرداختند و دقت ترجمه‌ها را که حاصل «جهت مستقیم و غیرمستقیم» هستند، باهم مقایسه نمودند.

سعیداوی (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی کیفیت ترجمه از زبان واسطه با رویکرد متن‌مدارانه: مطالعه موردی ترجمه موسی بیدج از کتاب Jesus the son of man» برای راستی‌آزمایی ادعای بیدج در شناسنامه ترجمه مبنی بر ترجمه اثر از زبان انگلیسی، نمونه‌هایی از ترجمه وی را در سه سطح ترجمه غیرمستقیم، افزایش و لغزش بررسی نمود و به این نتیجه رسید که بیدج این کتاب را یا از زبان عربی به فارسی برگردانده، یا اینکه آن را از اصل انگلیسی آن ترجمه کرده؛ اما از ترجمه عربی کمک زیادی گرفته است.

محمدی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «تحلیل گفتمانی تغییر عناصر فرهنگی اجتماعی در ترجمه از زبان واسطه: مجموعه عشق با صدای بلند» بر این باورند مترجم، این اثر را به واسطه زبان انگلیسی به فارسی بازگردانده است؛ زیرا در روند ترجمه از عربی به انگلیسی و آن‌گاه به فارسی، تغییراتی در گفتمان‌های حاکم بر متن صورت گرفته است.

حسینی (۱۳۹۹) در مقاله «تفاوت‌های ترجمه از زبان واسطه با ترجمه از زبان اصلی: ارزیابی کیفیت دو ترجمه از رمان ژاپنی باران سیاه به زبان فارسی» می‌کوشد صرف‌نظر از سوگیری‌های رایج درباره ترجمه ادبی از زبان واسطه با ترجمه از زبان اصلی، تفاوت‌های این دو نوع ترجمه را در رمان فوق‌الذکر آشکار سازد.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

سعیداوی و احمدی (۱۳۹۹) در مقاله «آسیب‌شناسی ترجمه از زبان واسطه: بررسی موردی ترجمه شکرالله شجاعی‌فر از رمان عرس الزین» با الگو قراردادن این ترجمه به آسیب‌شناسی ترجمه باواسطه پرداختند و آن را در سه سطح کاهش، افزایش و همایش واژگانی موردتحلیل قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که این ترجمه به خاطر واسطه قراردادن ترجمه انگلیسی، هم در حوزه کاهش و افزایش واژگانی و هم از نظر همایش واژگانی دچار انحراف شده‌است.

۲- چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش حاضر ریشه در الگوهای پیشنهادی ترجمه‌پژوهان مقصدگرا دارد. اساس مقصدگرایی در فرایند ترجمه آن است که مترجم- به عنوان واسطه میان پیام‌رسان و پیام‌گیر- تلاش می‌کند در برابر عناصر زبان و متن مبدأ، عناصری معادل و برابر از زبان مقصد برگزیند و با کمک شگردهایی خاص، تمام معنای بافت موردنظر را وارد زبان مقصد کند و تنها به انتقال معنای صریح بسنده ننماید. مترجم با تأسی از این روش، بیشتر از آنکه کارش را به متن وابسته بداند، به خواننده فکر می‌کند و معتقد است متنی که می‌نویسد باید به راحتی توسط مخاطب خوانده بشود و از آن مهم‌تر همان ارتباطی که اهل زبان با متن اصلی برقرار کرده‌اند، خواننده متن ترجمه نیز همان ارتباط را با متن ترجمه‌شده برقرار کند. در چنین رویکردی، مترجم می‌تواند برای سهولت ترجمه، از زبان واسطه نیز استفاده نماید. استفاده افراطی مترجم از زبان واسطه، به الگوپذیری صرف از زبان واسطه و نادیده‌گرفتن ساختارهای نحوی زبان مبدأ می‌انجامد که این امر گاهاً باعث بروز خلل‌هایی در ترجمه می‌گردد. در ادامه، تغییرات ساختارهای نحوی را در مواردی چند دسته‌بندی نموده و با مصادیقی از ترجمه فارسی قرآن کریم از طاهره صفارزاده مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهیم.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

۲-۱- نادستوری‌بودن (ill-formed)

اگر مترجم نسبت به زبان مقصد اشراف کامل نداشته باشد، برایش سخت خواهد بود که ترجمه‌ای صحیح و قابل‌قبول ارائه دهد. در این صورت آن پیامی که مدنظر متن مبدأ است، به درستی به مخاطب انتقال داده نمی‌شود (حسن، ۱۹٦٦: ۳۳). از دیگرسو مترجم باید به اصول اولیه متن مبدأ نیز اشراف کامل داشته باشد؛ یعنی نسبت به دستور زبان مبدأ، معانی گوناگون هر واژه و ظرافت‌های زبانی آن آگاهی داشته باشد. همچنین از شرایط سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی و آداب و رسوم آن زبان اطلاع حاصل نماید تا از این طریق بتواند مفهوم واقعی عبارات و اصطلاحات به‌کار رفته در متن را به خوبی درک نموده و معادل دقیق آن را با ساختارهای صحیح دستور زبان مقصد به کار گیرد (شمس‌آبادی، ۱۳۸۰: ٤۱).

نادستوری‌بودن زمانی رخ می‌دهد که مترجم از نظام دستوری و هنجارهای ساختاری زبان مقصد پیروی ننماید و از قواعد دستوری زبانِ ترجمه تخطی کند. بررسی‌ها در ترجمه صفارزاده نشان می‌دهد که خطاهای ناشی از ناهمخوانی معنایی میان متن مبدأ (زبان عربی) و مقصد (فارسی) به خاطر نادستوری بودن در بخش‌هایی از آن و همچنین تأثیر از زبان واسطه (انگلیسی) است. یعنی ساختارهای زبان واسطه (انگلیسی) که به‌طور کامل در زبان فارسی نادستوری‌اند، به همان شکل در بخش‌هایی از ترجمه به‌کار رفته‌است. در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

مثال نخست:

متن مبدأ: ﴿**وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ**﴾ (ملک/ ۱۰).

ترجمه صفارزاده: اگر ما به نصایح پیامبران گوش داده بودیم و عقلمان را به کار بسته بودیم امروز از اهل جهنّم نبودیم (صفارزاده، ۱۳۸۰: ۱۰۷۷).

ترجمه واسطه:

They will further say: "Had we but listened or used our intelligence, we should not [now] be among the Companions of the Blazing Fire (Yusuf Ali, 2006: 291).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

تحلیل: در اینجا فعل "گوش داده بودیم" و "به کار بسته بودیم" شکل ماضی دورتـر در انگلیسی است که با Had و قسمت سوم فعل می آید. در آیه ساختار فعـل اینچنـین نیسـت. فعل «نسمع و نعقل» در متن قرآن، همراه با «کنّا» آمده‌اند که بیانگر ماضی اسـتمراری‌انـد؛ بـه بیان دیگر، معنای این فعل‌ها «گوش می‌دادیم و می‌اندیشیدیم» است. همچنـین در آیـه فـوق فعـل نعقـل اسـت. ایـن فعـل در انگلیسـی بـه شـکلی ترکیبـی ترجمـه شـده « use our intellegence» همین فعل ترکیبی وارد ترجمه فارسی شده.

مثال دوم:

صفارزاده در آیه‌ای دیگری نیز به تأسی از ترجمه انگلیسی، فعل ماضی دورتر را بـه کـار برده است:

متن مبدأ: ﴿**وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ**﴾ (ق/ ۲۰).

ترجمه صفارزاده: و در صور دمیده می‌شود و آن روز زمان تحقق عذاب دردنـاک اسـت که قبلاً وعده داده شده (صفارزاده، ۱۳۸۰: ۹۹٦).

ترجمه واسطه:

And the Trumpet shall be blown: that will be the Day whereof Warning [had been given}.(Yusuf Ali, 2006: 263).

تحلیل: صفارزاده در ترجمه جمله اسمیه «ذلک یومُ الوعید» (آن روز وعید اسـت)، فعـل ماضی بعیدی را اضافه کرده است که در متن عربی نیست. این فعل، از ترجمـه انگلیسـی بـه ترجمه صفارزاده راه یافته است. چراکه جمله مورد نظر، در ترجمه یوسـف علـی بـه شـکل «آن روزی که در باره آن هشدار داده شده بود» برگردان شده اسـت. در ایـن ترجمـه نیـز از ماضی بعید استفاده شده است.

مثال سوم:

متن مبدأ: ﴿**أَفَعَيِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ**﴾ (ق/ ۱۵).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

ترجمه صفارزاده: آیا اول بار از آفرینش خلقت و مخلوقات احساس درماندگی و عجز کردیم که آن‌ها برای برپایی رستاخیز {که تکرار خلقت‌هاست} دچار شک و تردید هستند! (صفارزاده، ۱۳۸۰: ۹۹۵).

ترجمه واسطه:

Were We then weary with the first Creation, that they should be in confused doubt about a new Creation? (Yusuf Ali, 2006: 263).

تحلیل: در آیه فوق دو جمله هست؛ حرف «بل» ادات ربط بین دو جمله است. «بَل» در زبان عربی حرف اضراب است و اگر بعد از آن جمله‌ای بیاید، این حرف بیانگر معنای ابطال و ردّ گفته پیشین است. مثلاً در آیه ﴿**قالو إتَّخَذَ الرَّحمن ولداً سبحانه، بل عبادٌ مُكرَمُون**﴾ مراد ﴿**بل هم عبادٌ**﴾ است. گاهی نیز «بل» به معنای رویگردانی از مراد (و معنایی) به مراد (و معنای) دیگری است و در قرآن بیشتر این کارکرد را دارد.

به عنوان مثال می‌توان به آیه ﴿**قَد أفلح من تَزَكَّى، و ذَكَرَ اسمَ رَبِّه فَصَلَّى، بل تؤثرون الحياة الدنيا**﴾ اشاره کرد (ابن هشام، ۱۹۹۱: ۱۳۰). در آیه فوق نیز، بل چنین معنایی را دارد. یعنی نخست جمله پرسشی ﴿**أفَعَيينا بالخلق الأول**﴾ (آیا در آفرینش نخست عاجز بودیم) مطرح شده که همراه با تعجب و انکار است. در ادامه، با آمدن بل، از کلام پیشین صرف نظر شده و معنایی دیگر بیان شده است؛ «بل هم فی لبسٍ من خلق جدید» (نه، ایشان نسبت به آفرینشی جدید در شبهه‌اند).

صفارزاده، برای ترجمه حرف «بل» از حرف «که» استفاده کرده است که ادات ربط موصولی است. به بیان دیگر، مترجم به جای اینکه با حرف اضراب دو جمله را به هم ربط دهد، با حرف موصول میان آنها پیوند برقرار کرده‌است. صفارزاده با تأثیرپذیری از ترجمه انگلیسی یوسف علی اینچنین کرده است؛ زیرا در ترجمه انگلیسی او نیز، حرف «That» به کار رفته است که ضمیر ربط (Relative pronoun) است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

۲-۲- افزوده‌های زبانی (Linguistic additions)

ترجمه مطلوب ترجمه‌ای است که همزمان پایبند به محتوا و ظرافت‌های زبان مبدأ و مقصد باشد. یکی از قواعد ترجمه، جداسازی متن از توضیحات به وسیله پرانتز، کروشه، قلاب و دیگر علائم سجاوندی است تا خواننده بتواند میان متن مبدأ و مقصد تفاوت بگذارد. گاه مترجم به خاطر عواملی چون ساده‌سازی متن، شفاف‌سازی عبارات ناآشنای مقید به فرهنگ و یا عدم توانایی وی در ارائه مختصرترین معادل، ناچار می‌گردد افزوده‌هایی در ترجمه‌اش لحاظ نماید و آن‌ها را میان پرانتز یا کروشه قرار دهد. برخی دیگر از مترجمان آزادانه واژه‌ها یا عباراتی را در ترجمه می‌آورند که همتای آن‌ها در متن اصلی وجود ندارد. تمامی این موارد در دایره افزوده‌های زبانی قرار می‌گیرد. این افزوده‌ها به دو نوع کلی موجّه و غیرموجّه تقسیم می‌شود. افزوده موجه غالباً برای ایجاد روانی بیشتر در متن ترجمه صورت می‌گیرد و از جمله فنون اصلی ترجمه به شمار می‌آید؛ اما افزوده غیرموجه از عدم آگاهی مترجم نسبت به ظرافت‌های زبان مبدأ و مقصد نشأت می‌گیرد؛ لذا ترجمه را دچار انحراف می‌کند (کمالی، ۱۳۷۲: ۱۷).

در ترجمه فارسی قرآن کریم از صفارزاده به میزان چشمگیری از افزوده‌های زبانی استفاده شده است. بسیاری از این افزوده‌ها را افزودن واژه یا عبارتی تشکیل می‌دهند که در متن اصلی وجود ندارد.

صفارزاده به تشخیص خود پیچیدگی‌های برخی از آیات را با به‌کارگیری افزوده‌های زبانی می‌زداید. هدف استفاده وی از این افزوده‌ها آن است که ترجمه‌اش در نتیجه اختلاف‌های طبیعی که میان دو زبان عربی و فارسی از جهت شیوه بیان وجود دارد، به متنی بریده‌بریده و مبهم و ثقیل یا نامأنوس تبدیل نشود؛ بلکه ترجمه بر اساس قابلیت‌های زبان مقصد ترجمه شود و از فصاحت و روانی برخوردار باشد. صفارزاده خلأ ارتباطی موجود در متن را با افزودن واژگانی در میان دو قلاب پر می‌کند و به جملات بریده‌بریده پیوستگی و انسجام می‌بخشد؛ اما نکته اینجاست که این افزوده‌ها شباهت بسیار زیادی با افزوده‌های

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

زبانی در ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم دارد. در ترجمه انگلیسی قرآن- به مانند ترجمه فارسی صفارزاده- واژگانی که برای پرکردن خلأ ارتباطی افزوده می‌شود، نه تنها معنی آیات را دگرگون نمی‌سازد که سبب می‌شود متن ترجمه، مستقل و دارای پیوستگی و شیوایی و روانی تبدیل گردد. در ادامه به برخی از افزوده‌های زبانی در ترجمه صفارزاده که تحت‌تأثیر ترجمه واسطه (انگلیسی) استفاده شده‌است، اشاره می‌شود.

مثال نخست:

متن مبدأ: ﴿**لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ**﴾ (حدید/ ۲۵).

ترجمه صفارزاده: ما پیامبران خود را با نشانه‌ها و معجزات و دلایل بارز فرستادیم و به ایشان کتاب دین و معیار شناخت حقّ از باطل را عنایت فرمودیم که مردم را به روال و رفتار عادلانه برانگیزانند. و ما آهن را ایجاد فرمودیم که هم وسیله ساختن سلاح برای جنگ است، هم سودمندی‌های دیگر برای مردم دارد. خداوند کسانی که خدای نادیده و پیامبرانش را در راه استقرار دین یاری می‌کنند معلوم و مشخص می‌فرماید. همانا خداوند آن بی‌همتا قدرتمند شکست‌ناپذیر است (صفارزاده: ۱۰۴۹).

ترجمه واسطه:

We sent aforetime our messengers with Clear Signs and sent down with them the Book and the Balance [of Right and Wrong], that men may stand forth in justice; and We sent down Iron, in which is [material for] mighty war, as well as many benefits for mankind, that Allah may test who it is that will help, Unseen, Him and His messengers: For Allah is Full of Strength, Exalted in Might {and able to enforce His Will} (Yusuf Ali: 280).

تحلیل: در آیه قرآن عبارت ﴿**فیه بأسٌ شدید و منافعُ للناس**﴾ آمده است. صفارزاده این عبارت را به شکل «که هم وسیله ساختن سلاح برای جنگ است، هم سودمندی‌های دیگر برای مردم دارد» ترجمه کرده است. این ترجمه، اضافه‌های بسیاری دارد و بیش از آنکه به

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

متن قرآن نزدیک باشد، شبیه ترجمه انگلیسی قرآن است. نخست، دو «هم»ی که در ترجمه آمده حشو است. در متن انگلیسی نیز «as well as» آمده است که توضیحی اضافی است. همچنین، ﴿**فیه بأس شدید**﴾ یعنی «در آن شدت بسیاری هست»؛ معنای این عبارت، کلی و عام است ولی صفارزاده در ترجمه‌اش عمومیت و کلیت را از بین برده است و بدان معنایی خاص داده است که دقیقاً شبیه به ترجمه انگلیسی فوق (material for mighty war) است. افزون بر این دو، صفارزاده واژه ﴿**منافعُ**﴾ را در قرآن به شکل «سودمندی‌هایی دیگر» برگردانده است. ﴿**منافعُ**﴾ در قرآن بدون صفت و به شکل نکره (غیر منصرف) آمده است که هر دوی این‌ها افاده‌گر معنایند. ﴿**منافعُ**﴾ مسند گزاره ﴿**فیه منافعُ**﴾ است که به صورت نکره آمده. این نکره‌گی بیانگر کثرت و عظمت است؛ یعنی بیانگر منفعت‌های بسیاری است که از شدت بسیاری ناشناخته است و در وصف نمی‌آید. چنانچه در آیه ﴿**هدیً للمتقین**﴾ مسند نکره شده است و مراد از آن هدایتی بسیار عظیم و ناشناخته است (هاشمی، ۲۰۰۱: ۱۳۵). در ترجمه انگلیسی نیز همراه با این مسند، صفت شمارشی «many» آمده است.

مثال دوم:

متن مبدأ: ﴿**سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا**﴾ (مدثّر/ ۱۷).

ترجمه صفارزاده: به زودی او را با کوهی از رنج و مشکلات روبرو می‌سازم (صفارزاده: ۱۱۰۹).

ترجمه واسطه:

Soon will I visit him with a mount of calamities (Yusuf Ali: 301).

تحلیل: در این آیه، ﴿**أُرهِقُ**﴾ آمده است؛ در معنای این واژه عنوان شده است که «أرهقت الرجل أمرا: کلفتُه حمله. أرهقته بمعنی أعسرته» (کار را بر فرد مکلف کرد و او را به سختی انداخت) است (مصطفوی، ۱۳۹۳، ج٤: ٢٦٠). «صَعود» نیز صفت است و به چیزی اشاره دارد که مفهوم صعود و بالارفتن در آن محقق می‌گردد (همان، ج٤: ٢٦١). برای توضیح بیشتر باید گفت که «صعود به معنایی (جایی) است که متمایل به بالا رفتن باشد. در نقطه

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

مقابل این واژه، صفت‌های «مسطح و صاف» قرار می‌گیرد. در واقع، تفاوت «صعید» با «صعود»، از حرکت‌ها و فرم این دو واژه مشخص است. صعید، یاء و کسره دارد و به معنای جایی است که بالاروندگی اندکی دارد ولی صعود، ضمه و واو دارد و بر امتداد دلالت دارد. به همین خاطر بر جایی اطلاق می‌شود که بالاروندگی آن ممتد و طولانی است» (همان، ۱۳۹۳، ج۶: ۲۹۰). طبق آنچه گفته شد، معنای عبارت اینچنین است: «او را به (رفتن) از سربالاییِ (ممتدیّ) مجبور خواهیم ساخت» یا «او را به (پیمودن) فرازی (طولانی) مجبور خواهیم کرد». در ترجمه صفارزاده، فعل «روبروساختن» معادل مناسبی برای «إرهاق» نیست؛ او این فعل را از ترجمه انگلیسی قرآن «To visit» گرفته است. همچنین «کوهی از مشکلات و سختی» نیز ترجمه‌ای از ترجمه انگلیسی «a mount of calamities» (کوهی از مصائب) است. از همین روست که اضافه‌های آن از ترجمه انگلیسی هم بیشتر است.

مثال سوم:

متن مبدأ: ﴿**كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ**﴾ (مرسلات/ ۳۳).

ترجمه صفارزاده: و نیز مانند شترهای زرد مو که دنبال هم دوان هستند {به همان درشتی} (صفارزاده: ۱۱۲۵).

ترجمه واسطه:

As if there were [a string of] yellow camels [marching swiftly] (Yusuf Ali: 306).

تحلیل: در ترجمه صفارزاده عبارت «که به دنبال هم دوان هستند» اضافی است. در متن انگلیسی نیز اینچنین است؛ در این متن عنوان شده که شترها در رشته‌ای «string» به سرعت از پی هم می‌روند.

مثال چهارم:

متن مبدأ: ﴿**وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا**﴾ (نازعات/ ۱).

ترجمه صفارزاده: سوگند به فرشتگان {مأمور قبض روح} که ارواح گناهکاران و کافران را با خشونت از بدن‌هاشان بیرون می‌کشند (صفارزاده: ۱۱۳۱).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

ترجمه واسطه:

By the [angels] who tear out [the souls of the wicked] with violence (Yusuf Ali: 308).

تحلیل: آیه‌های نخست سوره نازعات بسیار موجزند. مثلاً در آیه نخست، مفعول به «نازعات» حذف شده است. ایجاز به حذف در این آیه، سبب خوش‌آهنگی آن گشته است، ولی از سویی برگردان آن به زبان‌های دیگر سخت شده است. از همین رو، بسیاری از مترجمان- از جمله صفارزاده- مفعول به نازعات را در ضمن توضیحاتی آورده‌اند. واژه دیگر این آیه، ﴿غرقاً﴾ است. در تفسیر قرطبی گفته شده که مراد از ﴿غرقاً﴾، زیاده‌روی در کشیدن است (قرطبی، ۲۰۰٦، ج۲۰: ۱۲) و ابن کثیر نیز این واژه را به معنای اغراق در کشیدن و زیاده‌روی کردن گرفته است (ابن کثیر، ۱۹۹۲، ج٤: ٤۹۸). طبق آنچه گفته شده، مراد از «النزع غرقاً»، «به شدت کشیدن، به سختی کشیدن، با سرسختی کشیدن» است؛ صفارزاده ترکیب «با خشونت» را معادل این مصدر آورده است که ترجمه انگلیسی است (with violence).

مثال پنجم:

متن مبدأ: ﴿**وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ**﴾ (مرسلات/ ۱۰).

ترجمه صفارزاده: و کوه‌ها از جا کنده و متلاشی و چون گرد و غبار در هوا پراکنده می‌شوند (صفارزاده: ۱۱۲۳).

ترجمه واسطه:

When the mountains are scattered [to the winds] as dust (Yusuf Ali: 305).

تحلیل: در معنای فعل «نسف» آمده است که «نسف الریح التراب» به معنای «اقتلعته و فرّقته» (خاک را از جاکند و پراکند) (مصطفوی، ۱۳۹۳، ج۱۲: ۱۱۳). بر این اساس، ﴿**إذا الجبال نُسفت**﴾ به معنای «آن‌گاه که کوه‌ها از جا کنده و پراکنده شوند» است. توضیحات دیگری مانند «چون گردوغبار» اضافی است و از ترجمه انگلیسی برگردان شده‌است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

۲-۳- تغییر دلالت واژگان (Change the meaning of words)

از میان سطوح مختلف زبان، واژگان بیش از دیگر سطوح دچار تغییر دلالت می‌شود؛ به گونه‌ای که دلالت یک واژه از یک حوزه مفهومی به حوزه‌ای دیگر منتقل می‌شود و با حفظ معنای اصلی، معنایی جدید خلق می‌شود (مبارک، ۱۹۸۱: ۱۰۷). بر این اساس هرگاه واژه‌ای دلالت معنایی جدیدی پیدا کند، آن معنای جدید در ذهن مخاطب تثبیت می‌شود و رفته‌رفته گویشوران آن را استفاده نموده و از این طریق آن معنای جدید، وارد نظام معنایی زبان می‌شود (اولمان، ۱۹۷٦: ۱۹۷).

پژوهشگران، تغییر دلالت معنایی واژگان را به عواملی چند ارتباط می‌دهند؛ از آن‌جمله: تنوع شیوه‌های استفاده از واژه، انتقال از معنای حقیقی به مجازی، وضوح و عدم وضوح معنایی واژگان، تغییرات آوایی، دستور زبان، عادات زبانی و لهجه‌ها (بستانی، ۱۳۹٤: ۳۹-٤۰). گاه تغییر دلالت معنایی واژگان، زمانی در ترجمه رخ می‌دهد که مترجم به بُعد کاربردشناختی زبان مبدأ تسلط کافی نداشته باشد و نتواند مناسب‌ترین معادل کاربردی را برای مخاطبِ زبان مقصد برگزیند. حاصل کار ترجمه‌ای است که برای مخاطب، جدید و غیررایج جلوه می‌یابد. در ادامه به برخی از تغییر دلالت‌های ترجمه فارسی قرآن از صفارزاده که تحت‌تأثیر زبان واسطه صورت گرفته است اشاره می‌شود.

مثال نخست:

متن مبدأ: ﴿**وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ**﴾ (مدثّر/ ٤٥).

ترجمه صفارزاد: همراه یاوه‌گویان، یاوه‌گویی می‌کردیم (صفارزاده: ۱۱۱۲).

ترجمه واسطه:

But we used to talk vanities with vain talkers; (Yusuf Ali: 302).

تحلیل: فعل «خاض یخوضُ» در اصل به معنای فرورفتن در چیزی است که در آن فساد و تباهی است. فعل «خاض في الأمر و خاض في الباطل» به معنای «وارد موضوع شد و داخل در باطل شد» است (مصطفوی، ۱۳۹۳، ج۳: ۱۵۷-۱۵۸). بر این اساس می‌توان

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

معناهای ذیل را برای این عبارت در نظر گرفت: «با فروروندگان، فرومی‌رفتیم» «با روندگان (در باطل)، همراه می‌شدیم». صفارزاده مصدر «خوض» را با معادل «یاوه‌سرایی» برگردانده است که ترجمه‌ای از ترجمه انگلیسی «to talk vanities» (یاوه‌گفتن) است.

مثال دوم:

متن مبدأ: ﴿أَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أُولَئِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ﴾ (قمر/ ٤٣).

ترجمه صفارزاده: آیا کافران قوم شما در زمان حاضر بهتر و قدرتمندتر از آن کافران پیشین هستند یا اینکه برای شما امان‌نامه مصونیّت از عذاب از جانب ما، در کتاب‌های آسمانی پیشین درج شده است (صفارزاده: ١٠٢٥).

ترجمه واسطه:

Are your unbelievers, {O Quraish}, better than they? Or have ye an immunity in the sacred books? (Yusuf Ali: 272).

تحلیل: واژه «براءة»، مصدر فعل «برأ» است؛ فعل «برأ من العیب و التهمة» به معنای «خلص و خلا» (از تهمت رهایی یافت و پاک شد). همچنین فعل‌های «برَّأه و أبرأه من کذا» بدین معناست: «قضی ببرائته منه» (حکم به بی‌گناهی (یا پاکی) او داد) گرفت (انیس و دیگران، ١٣٨٢، ج١: ٤٦). طبق آنچه گفته شد، معنای اصلی «براءة»، بی‌گناهی و پاکی است. البته در ضمن این معنا، مفهوم «امنیت و ایمنی» نیز هست؛ زیرا کسی که بی‌گناه است، از عقوبت ایمن خواهد شد. صفارزاده، در ترجمه «براءة»، «امان‌نامه مصونیت» را آورده است. معادلی که او آورده، حشو دارد؛ چراکه «امان» هم‌معنای «مصونیت» است و از این حیث، «امان‌نامه» دربردارنده معنای مصونیت است. دوم اینکه واژه مصونیت، بیانگر معناهای اولیه «براءة» چون «بی‌گناهی، پاکی و غیره» نیست. به نظر می‌رسد، این واژه از معادلی که در ترجمه انگلیسی قرآن «immunity» آمده، به ذهن و قلم صفارزاده جاری گشته است.

مثال سوم:

متن مبدأ: ﴿إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ﴾ (مدثّر/ ١٨-١٩).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

ترجمه صفارزاده: زیرا او برای عنا با حقّ، بسی فکر کرد و نقشه کشید. مـرگ بـر او بـاد، چگونه {برای ناروا‌گویی درباره قرآن} نقشه کشید! (صفارزاده: ۱۱۰۹).

ترجمه واسطه:

For he thought and he plotted* Yea, Woe to him; How he plotted (Yusuf Ali: 301).

تحلیل: فعل «قَدَّر» دوبار در آیه‌های فوق آمده است؛ این فعل به معناهای «تمهّـل و فکّـر في تسوية أمرٍ، قاس الشيء، نوى الأمر و عقد عليه العزم» (درنگ کردن و برای انجـام کـاری اندیشه کرد، سنجید، اندیشه کاری کرد و برای آن تصمیم گرفت (انیس و دیگـران، ۱۳۸۲، ج۲: ۷۱۸) است. معادلی که صفارزاده بـرای ایـن فعـل آورده، «نقشـه‌کشـیدن» اسـت؛ ایـن فعـل برگرفته از واژه «plot» در ترجمه انگلیسـی اسـت کـه بـه معنـای «نقشـه، طـرح» و «نقشـه کشیدن» است.

۲-۴- برابرنهادهای نامناسب (Improper equivalents)

برای ارائه ترجمه‌ای طبیعی و رسا به خواننده لازم است مترجم برابرنهادهای واقعـی واژگـان را بیابد و در ترجمه‌اش استفاده نماید. بـی‌تفـاوتی نسـبت بـه ایـن مسـئله سـبب مـی‌شـود ترجمه‌ای ضعیف و مبهم بـه خواننـده ارائـه گـردد (Newmark, 1988: 21). بـدون تردیـد جایگزینی یک واژه به جای واژه‌ای دیگر مفهوم پیام را دگرگون می‌سازد؛ بنـابراین مـی‌تـوان نتیجه گرفت که شناخت اجزای جمله و معادل‌یـابی دقیـق آن‌هـا اهمیـت ویـژه‌ای در رونـد ترجمه دارد. استفاده از برابرنهادهای نامناسب در ترجمه امری نسبی اسـت؛ امـا بایـد توجـه داشت که گاه استفاده از برخی از برابرنهادهای نامناسب مفهوم اولیه واژه یا عبارت را از بـین می‌برد و خواننده را دچار اشتباه و بدفهمی می‌نماید؛ بنابراین پیام ترجمه به خـوبی بـه زبـان مقصد منتقل نمی‌شود. با بررسی ترجمه فارسی قرآن از صفارزاده و مقایسـه آن بـا برخـی از ترجمه‌های انگلیسی چنین برداشت می‌شود که وی به دلیل تأثیرپـذیری از زبـان واسـطه، در

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

انتخاب برخی از برابرنهادها به خوبی عمل ننموده است. در ادامه به مصادیقی از این ترجمه اشاره می‌شود:

مثال نخست:

متن مبدأ: ﴿**إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ**﴾ (نجم/ ۲۳).

ترجمه صفارزاده: اینها صرفاً نام‌هایی هستند که شما و پدرانتان جعل کرده‌اید و خداوند دلیل و تأییدی برای آن‌ها نازل نفرموده است (صفارزاده: ۱۰۱۵).

ترجمه واسطه:

These are nothing but names which ye have devised – ye and your fathers for which Allah has sent down on authority (Yusuf Ali: 269).

تحلیل: روشن است که فعل «سَمَّی یُسمِّی» در زبان عربی به معنای نامیدن است. بنابراین عبارت ﴿**أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا**﴾ به معنای «نام‌هایی است که شما نامیدید» یا «نام‌هایی است که شما گذاردید» است. صفارزاده برای این فعل معادل «جعل کردید» را آورده است. او در این برابریابی از معادل ترجمه انگلیسی قرار اثر گرفته است. در ترجمه انگلیسی «**سمَّیتُم**» با فعل «To devise» برگردان شده است که اینچنین معنا شده است:

To form in the mind by new combinations or applications of ideas or principles (merriam-webster: devise).

[آفریدن (امری) در ذهن با ترکیب‌های نو یا با کاربست اندیشه‌ها و اصولی تازه].

چنانچه پیداست، فعل «devise» بر نوعی بازآفرینی و ابداع دلالت دارد و به نوعی معنایی مثبت دارد. این فعل در ترجمه صفارزاده با «جعل کردن» برگردان شده است که شکل منفی «ابداع و اختراع» است.

مثال دوم:

متن مبدأ: ﴿**وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا**﴾ (مدثّر/ ١٤).

ترجمه صفارزاده: و زندگی مرفّه و مجلّل نصیب او کردم (صفارزاده: ۱۱۰۹).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

ترجمه واسطه:

To whom I made [life] smooth and comfortable (Yusuf Ali: 301).

تحلیل: در آیه فوق، ﴿**تمهیداً**﴾ مفعول مطلق است؛ این مصدر به معنای «هموار ساختن و آسان گرداندن» است (مصطفوی، ۱۳۹۳، ج۱۱: ۲۰۵). در معنای این مصدر دو مفهوم همواری و سهولت هست. طبق این گفته ترجمه آیه اینچنین می‌گردد: «و برایش هموار ساختم چه هموارساختنی»، «برایش بسیار هموار ساختم». در ترجمه انگلیسی برای برگردان ﴿**تمهیداً**﴾ عبارت «life smooth and comfortable» (زندگی هموار و راحت) به کار رفته است. در این ترجمه، ساختار مفعول مطلق در نظر گرفته نشده است و مترجم با اضافه کردن واژه دنیا و آوردن دو صفت «هموار و راحت» برای آن، متن را ترجمه کرده است؛ البته دو صفت مذکور، مفاهیم «همواری و سهولت» واژه «تمهید» را منتقل کرده‌اند. صفارزاده ساختار ترجمه انگلیسی را گرفته است؛ یعنی واژه زندگی را به متن اضافه کرده است، ولی به جای دو صفت «راحت و هموار» (در متن انگلیسی)، صفت‌های « مرفّه و مجلل» را به کار برده است. روشن است که متن انگلیسی تا حد زیادی از ساختار و معنای آیهٔ، دور شده است و ازآنجاکه ترجمه صفارزاده، ترجمه از ترجمه است، از متن اصلی بیشتر دور شده است.

مثال سوم:

متن مبدأ: ﴿**يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ**﴾ (واقعه/ ۱۷).

ترجمه صفارازده: پسرهای همواره جوان، مشغول پیش‌خدمتی برای آن‌ها هستند (صفارزاده: ۱۰۳۶).

ترجمه واسطه:

Round about them will [serve] youths of perpetual [freshness] (Yusuf Ali: 276).

تحلیل: فعل «طاف یطوف طوفاً و طوافاً» به معنای «دور چیزی گردیدن و چرخیدن» است (انیس و دیگران، ۱۳۸۲، ج۲: ۱۲۱۵)؛ معنای آیه اینچنین است که «در گرداگرد آن‌ها

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

جوانانی نامیرا می‌گردند). صفارزاده فعل «مشغول پیشخدمتی هستند» را معادل این فعل آورده است. وی این معادل را از ترجمه انگلیسی و معادل «To Serve» گرفته است که به معنای «خدمت کردن» است. در سیاق آیه فوق، می‌توان فعل «یطوف» را به معنای «خدمت کردن» در نظر گرفت، ولی «مشغول پیش‌خدمتی هستند» معادل مناسبی برای این فعل نیست؛ چراکه «پیش‌خدمتی کردن» در قیاس با خدمت کردن، نوعی تخصیص و تنزل معنایی دارد؛ مراد از تخصیص معنایی آن است که دلالت کلی و عمومی واژه، محدود و جزئی شود یا به عبارتی، حوزه معنایی واژه محدود گردد (عمر، ۱۹۸۸: ۲٤٥) و تنزل معنایی نیز زمانی است که واژه در بافت اجتماعی، دلالتی فروتر و منفی‌تر بگیرد (همان: ۲٤۷).

روشن است که «پیش‌خدمت و پیش‌خدمتی کردن» دلالتی محدودتر از «خدمت‌کردن» دارد؛ چراکه «خدمت» دلالتی کلی و عام دارد و پیش‌خدمت به معنای «نوکری است که چیزها به مجل آرد و برد» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج٤: ٥۹۷٥).

بنابراین در زبان فارسی- به خصوص زبان معاصر- پیش‌خدمت کسی است که در مجالس یا رستوران‌ها و نظایر آن خدمات ارائه می‌دهد و از این حیث، دایره معنایی آن محدودتر و خاص‌تر از «خدمت‌کردن» است. همچنین بار معنایی «پیش‌خدمتی» در مقایسه با «خدمت» نازل‌تر و عامیانه‌تر است؛ از این رو، فروکاستن واژه «خدمت» به «پیش‌خدمتی» تنزل معنایی است؛ این تنزل در تقابل میان فعل «یطوف» و «پیش‌خدمتی» بیشتر به چشم می‌آید؛ چراکه یطوف بار عاطفی و زیبایی‌شناختی بیشتری دارد. شاید علت فروکاستن مفهوم «خدمت» در متن صفارزاده به «پیش‌خدمتی» این باشد که در زبان فارسی، واژه‌های «پیش‌خدمت» و «پیش‌خدمتی» با واژگانی چون «رستوران» و «Serve» باهم‌آیی متداعی دارند. از این رو، می‌توان گفت که صفارزاده به مانند، یوسف علی، معنای مجازی «یطوف» را کنار زده و معنای حقیقی آن- یعنی Serve به معنای خدمت کردن- را در نظر داشته است ولی معادلی که در فارسی به کار برده، دلالتی نازل و محدود دارد.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

این فعل در سوره طور نیز آمده است که صفارزاده آن را- به تأسی از متن انگلیسی- به همین صورت ترجمه کرده‌است:

متن مبدأ: ﴿وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ﴾ (طور/ ٢٤).

ترجمه صفارزاده: و دور و بر آنها پسرهای جوان مشغول پیش‌خدمتی هستند، آن‌ها از زیبایی چون مروارید پوشیده در صدفند (صفارزاده: ۱۰۰۹).

ترجمه واسطه:

Round about them will serve, {devoted} to them, young male servants {handsome} as pearls well-guarded (Yusuf Ali: 268).

مثال چهارم:

متن مبدأ: ﴿أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ﴾ (طور/ ٤٢).

ترجمه صفارزاده: آیا آن‌ها نقشه پلید و شیطانی برای تو {ای پیامبر} در نظر دارند!در صورتی که کافران به امر خداوند به مکر خود گرفتار می‌شوند (صفارزاده: ۱۰۱۱).

ترجمه واسطه:

Or do they intend a plot {against thee}? But those who defy Allah are themselves involved in a Plot! (Yusuf Ali: 268).

تحلیل: در آیه فوق، دو واژه ﴿**کیداً و مکیدون**﴾ به کار رفته است که از فعل «کاد یکید کیداً» به معنای «خَدع، مکر و احتال: خدعه کرد، فریب داد و حیله ورزید» (مجمع اللغة العربیة، ۲۰۰٤: ۸۰٦) مشتق شده‌اند. صفارزاده واژه نخست «کیداً» را با عنوان «نقشه پلید و شیطانی» ترجمه کرده‌است و در ترجمه اسم مفعولِ «مکیدون»، معادل «مکر» را به کار برده است. او معادل «نقشه پلید» را از واژه «Plot»گرفته است که در ترجمه انگلیسی آمده است. این واژه در انگلیسی معنای عام طرح و نقشه (کشیدن) را دارد و در معنای منفی‌اش بر توطئه (کردن) دلالت دارد (merriam-webster: plot) این اسم و فعل به همین شکل وارد زبان فارسی شده است؛ به بیان دیگر، در زبان فارسی واژه‌های «نقشه و نقشه‌کشیدن»

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

هم معنای حقیقی «طراحی و طراحی کردن» را دارند و هم بر معنای نـازل و منفـی «طراحـی برای توطئه» دلالت دارند.

۲-۵- برابرنهادهای توصیفی (Descriptive equivalents)

ازجمله مسائل موردبررسی در معناشناسی، شـناخت معنـای نسـبی (Relative meaning) و معنای مطلق (Absolute meaning) واژگان است. این موضوع سبب می‌شود مترجم نسـبت به حوزه معناشناسی شناخت دقیق‌تری پیدا کند و بـا ایـن شـناخت قـدم در عرصـه ترجمـه گذارد و از لایه‌های مختلف معنایی واژگان و مقوله ترجمه‌پـذیری و ترجمـه‌ناپـذیری آن‌هـا آگاهی یابد (فتحی مظفری و همکاران، ۱۳۹٦: ۱۰).

بخشی از چالش‌های موجـود در انتخـاب برابرنهادهـا در ترجمـه، بـه شـیوه اسـتفاده از برابرنهادهای توصیفی مرتبط است. انتقال تمامی شمول معنـایی یـک واژه بـه زبـان مقصـد، امری دشوار و گاها غیرممکن است؛ به همین دلیل مترجم مجبـور اسـت در بخـش‌هـایی از ترجمه، از برابرنهادی توصیفی استفاده نماید. استفاده از این شـگرد منـوط بـه آن اسـت کـه خللی در فضای کلام ایجاد نگردد و ترجمه، متناسب با بافت مـتن مبـدأ باشـد. فصـاحت و بلاغت قرآن کریم اقتضا می‌نماید که میان ساختار زبانی متن مبدأ و مقصد تناسبی سـاختاری برقرار گردد و مترجم از برابرنهادهای توصیفی که گاها حجم واژگان آن‌هـا بیشـتر از حجـم واژگان متن مبدأ است، کمتر استفاده نماید.

نکته‌ای که در ترجمه فارسی قرآن کریم از صفارزاده به وفور مشهود اسـت و البتـه بُعـد منفی آن زمانی برجسته می‌شود که این برابرنهادها تحت‌تأثیر زبان واسطه (انگلیسی) انتخـاب شده است. در ادامه به برخی از آن‌ها در این ترجمه اشاره می‌شود.

مثال نخست:

متن مبدأ: ﴿**إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ**﴾ (قمر/ ۳۱).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

ترجمه صفارزاده: ما فقط یک صیحه آسمانی بر آن‌ها نازل کردیم و آن‌ها به صورت علف خشک که صاحب آغل برای گوسفندان نگهداری و آماده می‌کند خرد و شکسته شدند (صفارزاده: ۱۰۲۳).

ترجمه واسطه:

For we sent against them a single Mighty Blast, and they became like the dry stubble used by one who pens cattle (Yusuf Ali: 272).

تحلیل: «**هشیم**» به معنای گیاه خشک خرد شده است (مصطفوی، ۱۳۹۳، ج۱۱: ۲۸۸) و «**المحتظر**» به معنای کسی است که آغلی ساخته است (همان، ج۲: ۲۸۹). طبق این تعریف، «**هشیم المحتظِر**» به معنای «علف‌های خشک صاحب (ان) آغل» است. صفارزاده این ترکیب را معنا کرده است. در ترجمه انگلیسی فوق نیز این ترکیب به صورت «علف خشک فراهم شده به واسطه شخصی که گوسفندان را نگهداری می‌کند» به کار رفته است.

مثال دوم:

متن مبدأ: ﴿**لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ**﴾ (مدثّر/ ۲۹).

ترجمه صفارزاده: آتشی است که رنگ پوست را دگرگون و سیاه می‌کند (صفارزاده: ۱۱۱۰).

ترجمه واسطه:

Darkening and changing the colour of man! (Yusuf Ali: 301).

تحلیل: واژه «**البَشَر**» به معنای «ظاهر جلد الإنسان» (ظاهر پوست انسان) است (مصطفوی، ۱۳۹۳، ج۱: ۲۹۶). صفت «لوّاحة» هم از فعل «لوَّحه الحرُّ» یعنی «گرما آن را سوزاند و سیاه کرد» گرفته شده است (همان، ج۱۰: ۲۷۸) همچنین در تعریف این فعل گفته شده که «لوَّحته الشمسُ: غیرته و سفعت وجهه» (خورشید چهره‌اش را تغییر داد و آن را به رنگ سرخ متمایل به سیاه درآورد) (مجمع اللغة العربیة، ۲۰۰٤: ۸٤٥). طبق این تعریف‌ها،

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

ترجمه صفارزاده، حشو دارد. صفارزاده- به تبع از مترجم انگلیسی- برای «البشر» معادل «رنگ پوست» را آورده است. در این معادل، رنگ اضافی است؛ زیرا این واژه «البشر» به معنای پوست یا سطح رویی پوست است. این حشو، سبب‌ساز اشکال دیگری در ترجمه شده است؛ در «لوَّح» سه مفهوم «سوختن، تغییر دادن، سرخ و سیاه نمودن» هست، ولی صفارزاده- همچون مترجم انگلیسی- مفهوم «سوزاندن» را منتقل نکرده است؛ زیرا نمی‌توان این مفهوم را به «رنگ چهره» اسناد داد؛ به بیان دیگر «رنگ چهره» نمی‌سوزد، بلکه خود چهره دچار سوختن می‌شود.

مثال سوم:

متن مبدأ: ﴿**لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ**﴾ (واقعة/ ۳۳)

ترجمه صفارزاده: و هیچ فصلی بدون میوه نیست و اهل بهشت از خوردن آن‌ها منع نمی‌شوند (صفارزاده: ۱۰۳۸).

Whose season is not limited, nor [supply] forbidden, (Yusuf Ali: 276)

تحلیل: قبل از آیه بالا، آیه ﴿**وفاكهة كثيرة**﴾ آمده است. این آیه بدین معنا است که در بهشت میوه‌های فراوانی است؛ ﴿**لا مقطوعة ولا ممنوعة**﴾ عطف بر آیه پیش است. یعنی «(این میوه‌ها) نه پایان‌یافتنی است و نه منع‌شدنی». مراد از ﴿**مقطوعة**﴾ این است که بهشتیان هرگاه بخواهند به این میوه‌ها دسترسی دارند و چنان میوه‌های دنیا نیست که مخصوص زمان خاصی باشد و در زمان دیگری در دسترس نباشد؛ چنانچه میوه‌های تابستان در زمستان نیست (قرطبی، ۲۰۰۶، ج۱۸: ۷۹).

یوسف علی در ترجمه ﴿**مقطوعة**﴾ این توضیح را آورده و عنوان کرده که «فصل‌های (میوه‌ها) پایان‌یافتنی نیستند». صفارزاده نیز واژه ﴿**مقطوعة**﴾ را به همین شکل توضیح داده و عنوان کرده که «هیچ فصلی بدون میوه نیست».

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

۳- نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش به شرح ذیل ارائه می‌شود:

۱- ترجمه فارسی قرآن از طاهره صفارزاده، روان و همه‌فهم است. با وجود این، این ترجمه در جاهایی (در این پژوهش، چهار جزء آخر بررسی شده‌است) از حیث دلالت و معنا فاصله بسیاری با متن قرآن دارد. علت اصلی شکاف میان ترجمه صفارزاده با قرآن، واسطه‌بودن زبان انگلیسی میان متن عربی و فارسی است. صفارزاده، در رشته ادبیات انگلیسی تحصیل کرده و مدتی را در غرب به کسب دانش مشغول بوده است. از این‌رو، زبان انگلیسی، زبان دوم وی به شمار می‌آمده است. صفارزاده در ترجمه قرآن نیز از برخی از ترجمه‌های انگلیسی بهره برده‌است (در این پژوهش، ترجمه انگلیسی یوسف علی مورد بررسی قرار گرفته‌است) و این امر، سبب شکل‌گیری نارسائی‌هایی در بخش‌های از ترجمه فارسی وی از قرآن کریم شده‌است.

۲- در جاهایی از ترجمه صفارزاده، دستور زبان ترجمه، مطابق با زبان عربی و فارسی نیست. همچنین دیده می‌شود که در برگردان آیه‌هایی، نحو ترجمه، حشو و زوائد بسیاری دارد. در جاهای دیگری به تبع از مترجمان انگلیسی، متن با اضافه‌های بسیاری برگردان شده‌است. این امر از سویی سبب شفافیت پیام قرآن شده است و ابهام آن را- که ویژگی‌ای زیبایی‌شناسانه است- کمرنگ کرده است، و از سوی دیگر، سبب شده است که گزیدگی، شیوایی و بلاغت قرآن به درستی منتقل نشود.

۳- از آن‌جا که ظرفیت‌های زبان‌ها متفاوت است، ممکن است در ترجمه، دلالت واحدهای زبانی تا حدی کاسته یا افزوده شود. اگر ترجمه از روی ترجمه صورت گیرد این کاهش و افزایش بیشتر خواهد شد؛ این مسئله در ترجمه صفارزاده به وضوح ملاحظه می‌شود. در متن او، برخی واژگان فاصله معنایی زیادی با واژگان قرآن دارند و دلالت آن‌ها تا حد زیادی تغییر پیدا کرده‌است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

٤- یکی دیگر از آسیب‌های ترجمه صفارزاده، توصیف واژگان است که با تأثیرپذیری از مترجمان انگلیسی به ترجمه او راه یافته است. ازآنجاکه زبان انگلیسی،- برخلاف زبان فارسی- پیوندی دیرینه و محکم با زبان عربی ندارد، معادل‌یابی برخی از واژگان قرآن، در این زبان دشوار است و به همین خاطر، مترجمان انگلیسی‌زبان برخی از واژه‌ها را توصیف کرده‌اند که این مسئله در بخش‌هایی از ترجمه صفارزاده نیز راه یافته‌است.

۴- منابع

* *قرآن کریم*

۱- ابن کثیر، أبوالفداء، *تفسیر القرآن العظیم*، ط۲، بیروت: دار المعرفة، (۱۹۹۲م).

۲- ابن هشام، *مغني اللبیب عن کتب الأعاریب*، تحقیق: محمد محیي الدین عبدالحمید، ط۱، بیروت: المکتبة العصریة (۱۹۹۱م).

۳- انیس، ابراهیم و دیگران، *المعجم الوسیط*، ترجمه: بندرریگی، محمد، چ۲، تهران: اسلامی، (۱۳۸۲ش).

۴- اولمان، استفان، دور الکلمة في اللغة، ترجمة: کمال محمد بشر، ط۱۰، القاهرة: مکتبة الشباب، (۱۹۷۶م).

۵- بستانی، فؤاد افرام، *منجد الطلاب*، ترجمه: بندرریگی، محمد، چ۱، تهران: اسلامی، (۱۳۸۹ش).

٦- بستانی، قاسم، «تغییر معنایی واژگان در قرآن کریم»، دانشگاه اصفهان: *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، دوره ٤، شماره ۲، صص ۳۷-۵۸، (۱۳۹٤ش).

۷- تک‌تبار، حسین، «ترجمه طاهره صفارزاده: ترجمه‌ای ارتباطی از قرآن کریم»، دانشگاه تربیت مدرس: *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، دوره ۲، شماره ۳، صص ۲۷-٤۷، (۱۳۹٤ش).

۸- حسن، محمد عبدالغني، *فن الترجمة في الأدب العربي*، ط۱، القاهرة: الدار المصریة، (۱۹۶۶م).

۹- دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، چ۲، تهران: دانشگاه تهران، (۱۳۷۷ش).

۱۰- ذوالفقاری، حسن، *آیین نگارش و ویرایش*، چ۲، تهران: فاطمی، (۱۳۹۹ش).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

۱۱- سعیداوی، علی، «بررسی کیفیت ترجمه از زبان واسطه با رویکرد متن‌مدارانـه: مطالعـه مـوردی ترجمه موسی بیدج»، *انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربـی*، دوره ۱۳، شـماره ٤۲، صـص ۲۱۹-۲۳۸، (۱۳۹٦ش).

۱۲- سعیداوی، علی؛ احمدی، سجاد، «آسیب‌شناسی ترجمه از زبان واسطه: بررسی مـوردی ترجمـه شکرالله شجاعی‌فر از رمان عرس الزین»، دانشگاه علامه طباطبایی: *پژوهش‌هـای ترجمـه در زبـان و ادبیات عربی*، دورهٔ۱۰، شمارهٔ۲۳، صص ۱۱۹-۱۳۷، (۱۳۹۹ش).

۱۳- شمس‌آبادی، حسین، *تئوری ترجمه و ترجمه کاربردی از عربی به فارسـی*، چ۱، تهـران: چاپـار، (۱۳۸۰ش).

۱٤- شکوهمند، فرزانه و همکاران، «بررسی میزان اتکا به عامل فرامتنی جهت ترجمـه: مـوردپژوهی ترجمه‌های رمان صد سال تنهایی نوشته گابریل گارسیا مارکز»، دانشگاه فردوسـی: *مطالعـات زبـان و ترجمه*، دوره ٤۷، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۳۲، (۱۳۹۲ش).

۱۵- صفارزاده، طـاهره، *ترجمـه قـرآن کـریم*، چ۱، تهـران: مؤسسـه فرهنگـی جهـان رایانـه کـوثر، (۱۳۸۰ش).

۱۶- عمر، أحمد مختار، *علم الدلالة*، ط۲، القاهرة: عالم الکتب، (۱۹۸۸م).

۱۷- فتحی مظفری، رسول و همکاران، «کاربردشناسـی معـانی ارجـاعی واژگـان در فراینـد ترجمـه نهج‌البلاغه»، دانشگاه تربیت مدرس: *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، دوره ٤، شماره ۷، صـص ۹۵-۱۲۳، (۱۳۹٦ش).

۱۸- قرطبي، أبوعبدالله، *الجامع لأحکام القرآن*، ط۳، بیروت: دار إحیاء التراث العربي، (۲۰۰٦م).

۱۹- کمالی، محمد جواد، «حذف و اضافه در ترجمه»، مشهد: *مترجم*، دوره ۱۰، شـماره ۱۲، صـص ۱٦-۳۰، (۱۳۷۲ش).

۲۰- مبارک، محمد، *فقه اللغة وخصائص العربیة*، ط۷، بیروت: دار الفکر، (۱۹۸۱م).

۲۱- مجمع اللغة العربیة، *المعجم الوسیط*، ط۲، القاهرة: مکتبة الشروق الدولیة، (۲۰۰٤م).

۲۲- مصطفوی، حسن، *التحقیق في کلمات القرآن*، ط۱، طهـران: مرکـز النشـر العلامـه المصـطفوی، (۱۳۹۳ق).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]

۲۳- محمدی، اویس، «تحلیل گفتمانی تغییر عناصر فرهنگی اجتماعی در ترجمه از زبان واسطه: مجموعه عشق با صدای بلند»، دانشگاه علامه طباطبایی: *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، دوره ۷، شماره ۱۷، صص ۵۵-۷۸، (۱۳۹٦ش).

٢٤- هاشمي، أحمد، *جواهر البلاغة في المعاني والبيان والبديع*، تحقيق: الصميلي، يوسف، ط۳، بيروت: المكتبة العصرية، (۲۰۰۱م).

25- Berman, Antoine. "La traduction comme espace de la traduction". *Palimpsestes*. 2 (4). 1-7. (1990).

26- Dollerup, Cay. "Relay and Support Translations. In A. Chesterman (Eds.)". *Philadelphia: John Benjamins*. 4 (8) 17-26. (2000).

27- Newmark, Peter. *A textbook of translation*. NewYork: Prentice-Hall. (1988).

28- Pieta, Hanna. *What do (we think) We Know about Indirectness in Literary Translation? A Tentative Review of the State-of-the-art and Possible Research Avenues*. Lleida: Punctum. (2014).

29- Radó, Gyorgy. "Indirect translation". *Babel*. 21 (2). 51-59. (1975)

30- Ringmar, Martin. Round about Routes: Some Remarks on Indirect Translations. In F. M. Leuven (Ed.), *Selected Papers of the CETRA Research Seminar in Translation Studies*. CETRA. (2006).

31- Webster, Merriam. *Webster's Dictionary of English Usage*. United States of America: Merriam Webster. (1989).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.16.11.5]